

# زنان و جمعیت

مترجم: مهدی امانی دولت‌سرا



## چکیده:

اندیشمندی می‌گوید: به مردم همچون توده‌ای از مورچگان ننگرید، آنان انسان هستند.

در یکی از روزهای ماه نوامبر زنی ناشناس در لوآ (شهری در اروپا) تا هفت بچه دنیا می‌آورد، شادمان و مسرور می‌شویم.

در همان روز زن دیگری در نیجریه هفدهمین فرزند خود را دنیا می‌آورد، آزرده و پریشان می‌شویم.

در برزیل یک شهردار شاهد کاهش و کوچک شدن شهرش تا دو سوم می‌باشد و برای از دست ندادن یارانه‌های مربوط به جمعیت تصمیم می‌گیرد که تمام روشهای جلوگیری از بارداری را ممنوع کند.

در بنگلادش دولت برای جلوگیری از بچه‌دار شدن زنان بارور علاوه بر خدمات مورد نیاز به صورت مجانی، یک لباس محلی هندی (ساری) نیز به رایگان می‌دهد.

در کنیا یک زن برای داشتن فرزند پسر مرتباً شانس خود را امتحان می‌کند زیرا شوهر او فرزند پسر می‌خواهد و همواره می‌گوید که:

اگر من پسر نداشته باشم چه کسی نام مرا زنده و سرافراز خواهد کرد.

در ایالات متحده آمریکا یک دختر مجرد به دختر کوچک خود نگرسته و می‌گوید: من واقعاً نمی‌دانستم چه می‌کنم، من فکر می‌کردم عاشق هستم و عشق بزرگترین چیزهاست، اما احمقانه بود.

## مقدمه:

در این مقاله فقر و بدبختی زنان آسیا و آفریقا و ابتذال جامعه‌ی غربی نشان داده شده است و خواندن آنرا به همه دانشجویان و علاقمندان توصیه می‌کنیم.

ما می‌دانیم که جمعیت یک مشکل اساسی است، در حقیقت اغلب مشکلات رودروی انسانها، خانواده‌ها، جوامع و ملت متأثر از زیادی جمعیتی است که بطور مشترک در سیاره زمین زندگی می‌کنند.

اما اگر مشکل فقط تعداد افراد بود، این قضیه چندان مهم نبود که ما را مات و مبهوت بکند و یا تحت تأثیر قرار دهد، ما برای تهیه غذا برای کشورهای قحطی‌زده و جلوگیری از پرتاب بچه‌های تازه متولد شده به سطل آشغال و یا در مقابل سکوت در برابر شنیدن اینکه مادران حامله بخاطر صدمه نخوردن فرزندانش از معالجه سرطان خودداری می‌کنند، هیچ تلاشی نمی‌کنیم.

(اندیشمندی می‌گوید: به مردم همچون توده‌ای از مورچگان ننگرید، آنان انسان هستند.)

دویست سال قبل توماس مالتوس انفجار جمعیت را حاصل زیادی جمعیت پیش‌بینی کرده بود.

تا امروز که رویدادها کاملاً آنطور که او فرض کرده بود روی نداده و او به احتمال زیاد هنوز به دیدگاههای بدبینانه و تیره خود درباره آینده ادامه می‌دهد!

امروزه ۹۸ درصد رشد جمعیت در کشورهای در حال توسعه روی می‌دهد.

یک محقق خیلی بی‌برده و صریح بیان کرد که اگر مردمان این کشورها دست از زاد و ولد برندارند دنیا به جهنم تبدیل خواهد شد.

- واقعیت آنست که رشد جمعیت متوقف خواهد شد. امروزه تقریباً شش میلیارد انسان در جهان وجود دارد و برای ۱۵ سال آینده افزایش سالیانه جمعیت در حدود ۸۰ میلیون نفر یا حدود یک میلیارد در هر ۱۲ تا ۱۵ سال خواهد بود. سازمان ملل تخمین می‌زند که جمعیت جهان در سال ۲۰۵۰ بین ۷/۷ تا ۱۱/۲ میلیارد خواهد بود.

آیا این مقدار زیاد است؟ البته پیش‌بینی سخت است چنانچه مالتوس گفته بود پیش‌بینی‌ها اغلب ما را وادار می‌کنند که در رفتاری که سبب آن پیش‌بینی شده تغییراتی بدهیم البته اولویت اول، تهیه غذای کافی می‌باشد. اما در مورد آب آشامیدنی چه؟ ۴۰٪ مردم دنیا در مواقعی از سال با کم‌آبی روبرو هستند.

در مورد شغل چه؟ در اغلب موارد افزایش میزان بیکاری به چشم می‌خورد و بر طبق دفتر مرجع جمعیت سازمان ملل، توده‌های بیکار به شکل بمب‌های ساعتی اجتماعی و سیاسی عمل می‌کنند.

اما در خلال سی سال گذشته پیشرفت‌های شگفت‌انگیزی بدست آمده است.

میزان مولید در بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله چین و هند کاهش یافته و تعداد متوسط زایمان هر زن از ۶ عدد به ۳ عدد کاهش یافته است. این تغییرات، نتیجه تلاش در ۳ جبهه مختلف می‌باشد:

۱- جلوگیری از بارداری ۲- مراقبت‌های بهداشتی ۳- فرهنگ که به مثابه گاو صندوقی است که هنوز مفاهیم قابل درک آن ناشناخته است.

جلوگیری از بارداری کلید اصلی این پیشرفت بوده است. تعداد زنانی که در کشورهای در حال توسعه از روش‌های جلوگیری از حاملگی استفاده می‌کنند تا ۵۰٪ افزایش یافته است. بنابه گفته بورلی و بنی‌کوف مسئول دفتر مشاوره جمعیتی سازمان ملل، تقریباً جایی وجود ندارد که زنان به امکانات پیشگیری از بارداری دسترسی نداشته باشند و عملاً نیازی به توسل به زور ندارند.

اما هنوز در حدود ۲۰۰ میلیون نفر از زنان هر ساله باردار می‌شوند، نیمی از این بارداری‌ها بدون برنامه و یک چهارم آنها ناخواسته است. بچه‌های ناخواسته اغلب مورد بی‌توجهی، بدرفتاری و خشونت قرار گرفته و یا به حال خود رها می‌شوند. آنها معمولاً نسبت به بچه‌هایی که با تصمیم قبلی دنیا می‌آیند غذا، مراقبت پزشکی و تحصیلات کمتری دریافت می‌کنند.

بیش از نیم میلیون زن هر ساله در دنیا در اثر عوارض حاملگی و اغلب در نتیجه فقدان یا ضعف بهداشت و مراقبت‌های پزشکی و کمی فاصله بین زایمان‌ها می‌میرند. هر ساله هفت میلیون کودک بخاطر اینکه مادرشان آمادگی لازم فیزیولوژیکی برای بارداری را نداشته‌اند و یا در اثر کمبود مراقبت‌های ویژه مائمی می‌میرند. میلیون‌ها زن و مرد به این واقعیت توجه نمی‌کنند.

اما با تنظیم خانواده آنها راه‌هایی را می‌یابند تا آینده بهتری برای خود ترسیم کنند.

زنی می‌گوید: مردم نسبت به کنترل سرنوشت خود مایوس و ناامید هستند.

در بنگلادش سیبیده صبح از فراز درخت زارهای موز و نخلستانها و پهنه‌های سبز شالیزار و آبگیرهایی که زنان با لباسهای محلی پرزرق و برق خود در آن فرورفته‌اند، طلوع می‌کند. در بنگلادش مشکل تراکم جمعیت بوضوح به چشم می‌خورد. بنگلادش نهمین کشور پرجمعیت دنیا است و تنها با مساحت حدود ۵۲۰۰۰ مایل مربع یکی از متراکم‌ترین و فقیرترین کشورهای جهان است.

امروزه بنگلادش بخاطر موفقیت در کنترل جمعیت بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در سال ۱۹۹۰ میزان مولید در حدود ۴/۹ فرزند برای هر زن بود (که اگر تغییر نمی‌کرد جمعیت آن کشور در سال ۲۰۱۵ دو برابر می‌گردید). این میزان اینک ۳/۳ می‌باشد و این حقیقتی است که بسیاری از افراد را که اعتقاد داشتند، جمعیت کشور تنها پس از فائق آمدن بر بی‌سوادی و فقر مزمن کاهش خواهد یافت، به تعجب انداخته است. در بنگلادش بیشتر اعتبارات به دو سازمانی که با فقر مبارزه می‌کردند اعطا گردید: بانک گرامین داکا با برنامه ابتکاری مبنی بر اعطای وام‌های کوچک و همچنین کمیته توسعه روستائی بنگلادش (BRAC) با شبکه‌های آموزشی روستائی.

کارگرمین و BRAC به میلیون‌ها زن و کودک امیدی برای بقا ایجاد کرد و امکان داد که به آینده‌ای بهتر بیاندیشند.

مسئمت انوره بیگم یکی از زنان روستای چمورخان بود که چندان فرقی با سایر روستاهای بنگلادش ندارد (در بنگلادش ۶۸۰۰۰ روستا وجود دارد).

خانه‌های یک یا دو اتاقه هم شکل، سقف‌های فلزی مشبک و دیوارهای ساخته شده از برگ خرما در هم تنیده که گرداگرد یک زمین ناهموار قرار گرفته‌اند.

همینکه نور صبحگاهی از میان درختان شروع به تابیدن می‌کند، یک خروس می‌خواند، یک بچه گریه کنان نق می‌زند، سگی مرتب پارس می‌کند و یک دستفروش با جاززدن در حال فروش اجناس است، سپس تلفن زنگ می‌زند.

انوره بیگم تنها تلفن روستا را در اختیار دارد و آن یک تلفن خورشیدی با مارک نوکیا است. و آن را با دریافت وام از بانک گرامین خریده است و به جای اینکه مثل سایر اهالی تخم‌مرغ و شیر بفروشد، او با آن امرار معاش می‌کند. او تلفن را در برابر ۴/۶ تاکا (حدود ۱۰ سنت برای یک دقیقه مکالمه اجاره می‌دهد). با این نرخ او می‌تواند علاوه بر پرداخت صورتحساب تلفن و اقساط وام کمی هم استفاده کند.

او می‌گوید: هر هفته در حدود ۳۰۰ تاکا (۶/۵ دلار) از تلفن

درآمد دارم و حدود ۱۶۰ تاکا برای اقساط وام می پردازم، در مدت سه سال بدهی من مستهلک خواهد گردید. در برخی از قسمتهای بنگلادش یک بیوه بیسواد با چندین بچه ممکن است در معرض سوء استفاده و فحشا قرار گیرد، اما در حالیکه وام پرداخت می شود، انوره بیگم در کشوری که درآمد سرانند حدود ۲۵۰ دلار است، بطور خالص روزانه ۲ دلار و سالیانه ۷۰۰ دلار درآمد دارد.

از زمان آغاز برنامه در سال ۱۹۷۶، گرامین بیش از دو میلیارد دلار، بطور متوسط از ۱۸۰ دلار تا ۲/۱ میلیون دلار، به زنان تهیدست وام پرداخت کرده است.

محمد ابوالحسین یکی از مدیران ارشد گرامین می گوید: وقتی که یک زن وام می گیرد، این وام برای همه اعضای خانواده مفید است. بچه های منزلتی می یابند و آسایش خانواده بیشتر می شود. - اخیراً یک مطالعه در برزیل نشان داد که کنترل درآمد و خرجی خانه توسط مادر موجب سلامتی بهتر فرزندان می شود حتی در مقایسه با خانواده های که ۲۰ برابر، درآمد بیشتر دارد ولی پدر متصدی امور مالی خانواده است.

بررسی دقیق نشان دهنده رابطه قوی بین تنظیم خانواده و تحصیل می باشد، اما همچنان بنگلادش دارای میزان بالای مرگ و میر کودکان و زنان است. در اینجا برخلاف معمول شرایط بیولوژیکی، زنان بدلیل سوء تغذیه شدید و بارداری های پشت سرهم و خطرناک زودتر از مردان می میرند.

BRAC برای کمک به پیشرفت بهداشت، کلینیک هایی را در سراسر کشور ایجاد کرده است. در مرکز بهداشت BRAC در شهر مای من سینگ یک خانم پرستار روزانه به ۸۰۰ تن از زنانی که هر ماه به او مراجعه می کنند توصیه های بهداشتی ارائه می کند. یک زن لاغر جوان که سه ماهه باردار است، بی حال و بی رمق روی میز نشسته است او به پرستار می گوید که از تهوع صبحگاهی و تب های دوره ای رنج می برد. او ۲۰ ساله است و سه سال و نیم قبل ازدواج کرده است. این سومین حاملگی اوست او قبل از این یکبار بچه انداخته است و یکبار هم بچه مرده بدنیا آورده است. روشهای جلوگیری از بارداری به او در به تأخیر انداختن بارداری کمک نموده تا اینکه او بتواند سلامتی خود را باز یابد.

خانم پرستار به او استراحت مطلق توصیه می کند و اینکه غذای بیشتری بخورد و کارهای سنگین انجام ندهد، اما هیچکدام از اینها برای او ممکن نیست، پرستار برای تب او یک آنتی هیستامین و برای درد او داروی ضد درد تجویز می کند. مادرشوهر سفید موی دخترک در حالیکه در طبقه پائین مهبای دعوا و داد و بیداد بود، خیلی ساکت به دیوار تکیه داده بود.

اخذ وام و روشهای پیشگیری از بارداری به بهبود زندگی زنان بنگلادش و فرزندان آنان کمک می کند. اما اندوه و غصه هنوز هم زندگی سالم خانواده گی را تغییر می دهد.

خورشید در نایروبی طلوع می کند و گوئی که پارکها را تذهیب و

طلاکاری کرده است، خیابانها شلوغ و به هم ریخته است، بازار شروع بکار می کند.

کنیا یکی از بالاترین میزان های رشد جمعیت در دنیا را داشته است، اما در ۲۰ سال گذشته بیشترین میزان کاهش در کل افریقا را نشان داده است. اینجا هم نسل بنگلادش دلیل عمده این مسئله تلاش بی وقفه در جهت رفع بی سوادی، ایجاد کلینیک های بیشتر و روشهای جلوگیری از بارداری ارزان قیمت می باشد.

اما افریقا که هنوز بالاترین میزان رشد جمعیت را دارد عمیقاً فرزند سالار می باشد. زنی می گفت که اگر کسی بچه نداشته باشد تحقیر می شود زیرا در جامعه فرد کاملی به حساب نمی آید.

در تمام دنیا مردان اغلب مخالف عمده تنظیم خانواده هستند. عدهای براساس باورهای مذهبی رفتار می کنند. عدهای دیگر می خواهند مردانگی خود را اثبات کنند، عدهای بر این باورند که ترس از بارداری غیر مشروع سبب پاکدامنی و عدم خیانت همسرانشان خواهد بود و سوء برداشت هائی هم وجود دارد مثل اینکه مردی می گفت: من از تنظیم خانواده بیزارم زیرا این به آن معنی است که مردم نباید بچه دار شوند.

هنوز مردان در تلاش برای معاش خانواده خود هستند. برخی می پذیرند که خانواده کوچکتر بهتر است. برای کمک به این افراد و مشارکت در برنامه تنظیم خانواده کلینیک های مخصوص مردان در کنیا و غنا و بعضی از کشورهای امریکای جنوبی تأسیس شده اند و تعدادی از پیشگامان بر ترس معمول که عقیم شدن را باعث ناتوانی می داند، فائق آمده اند و واژکتومی را انتخاب کرده اند.

فیلیپ انجوجانا کشیش کلیسای کالوری نایروبی وابسته به کلیسای مسیحیت همسایه بخش حومه فقیرها است.

در سی و هفت سالگی او بسیار تحیف با بیان دوستانه و باهوش به نظر می رسد اولین بار او را در واحد ویژه مردان ماری استوپ در مرکز شهر دیدم.

اتاق اصلی انتظار مملو از زنان و بچه هائی است که تلویزیون تماشا می کنند و روزنامه می خوانند. اتاقهای بعدی ویژه مردان است، در دیوارهای زرد رنگ چند پوستر ساده به چشم می خورد، خانواده خود را تنظیم کنید، بچه های آینده به شما احتیاج دارند، ۴۵ میلیون مرد در سراسر دنیا عمل واژکتومی را انجام داده اند.

فیلیپ می گوید که پدرش ۸ جریب زمین داشت این مقدار به اندازه متعارف بود اما برای ۱۳ تا بچه کافی نبود. صبحها فقط یک فنجان قهوه داشتیم، ناهاری در کار نبود، فقر هر روز ما را می بلعید. بیبیل می گوید: آنچه که مرا به واژکتومی واداشت اینست که می خواهم خانواده ای داشته باشم که بتوانم آنها را به سرانجام برسانم و ادامه می دهد که: همسر من قرص ضد بارداری مصرف می کرد، اما فشار خونش بالا رفت، من که هستم، من شریک زندگی او هستم و به او کمک می کنم، بنابراین راجع به واژکتومی مطالعه کردم، تنها اثر جانبی آن اینست که دیگر نمی توانید بچه دار شوید و

توافقاً این همان چیزی است که من می‌خواستم.

بسیاری از مردان درباره اثرات جنبی احتمالی برخی روشهای جلوگیری از بارداری بر روی همسرانشان نگرانند، اما مطالعات مجدد نشان داد که مردان عموماً از روشهایی که مستقیماً آنها درگیر و محدود می‌کند از جمله کنترل و خویشتن داری در روابط زناشویی با استفاده از وسائل خاص و یا شناخت دوره‌های باروری همسرانشان، بیزار هستند.

پاتریک موسیوکا به آرامی می‌گوید که: هنوز هم وازکنومی یک مسئله ننگ آور و خفت بار به حساب می‌آید.

مردان در موقعیتی هستند که تنظیم خانواده باعث دوری آنها از قلمروهای قدرت شده و آنان را به وادی ناشناخته‌ای از رفتار می‌برد.

یکی از مدیران برنامه بهداشت می‌گوید: تنظیم خانواده در کنیا از طریق برنامه بهداشت معرفی شده است. یک خانم پرستار می‌گوید که فرض ما بر آن بود که زنان با شوهرانشان درباره آنچه آموخته‌اند صحبت کنند اما حالا ما می‌دانیم که ارتباط بین زوجین یک ارتباط معمولی نبوده، ما زنان را به ادامه صحبت و گفتگو تشویق کردیم. برای در هم شکستن مقاومت شوهران فشار زیادی لازم است.

در لینکلن نبراسکا وقتی که طراوت پائیزی در صبح زود بر روی دشت و برفراز پرچم مقابل ساختمان کاخ گسترده می‌شود، بروی زمین فوتبال دسته نوازندگان بعد از تعطیلی مدرسه در حال تمرین هستند.

در روشنائی صبح دانش‌آموزان در حال ورود به دبیرستان هستند، آنها اسباب و اثاثیه معمولی یک جوان را با خود حمل می‌کنند، کتابها، کوله پشتی و ابزار آلات موسیقی. تعدادی از دختران هم بچه‌های خود را با خود آورده‌اند. ایالات متحده بالاترین میزان زایمان زنان جوان را در بین کشورهای صنعتی دارا می‌باشد. از ۱۹۶۰ این میزان در بین زنان ازدواج نکرده ۱۵ تا ۱۹ ساله سه برابر شده است.

براساس آمار انستیتو آلنگات‌ماچر از هر ده دختر امریکائی ۴ نفر قبل از رسیدن به ۲۰ سالگی حداقل یکبار حامله شده‌اند، اغلب این بارداری‌ها بدون قصد قبلی بوده است.

امریکای واقعی همین لینکلن است، البته هست اما نه همیشه و همانطور که ما استنباط می‌کنیم. تونیا دختر ۱۲ ساله و کمی گستاخ می‌گوید: من دوست دارم بچه‌دار شوم اما نه حالا، بسیاری از دوستان من بچه دارند، میندی، ژانت، بتی، بکی، سو و....

خبرهای بدی وجود دارد زیرا اولاً تا سال ۲۰۰۰ تعداد دختران جوان در دنیا بسیار بیشتر از آنچه که امروز وجود دارد خواهد بود. ۴۰۰ میلیون نفر در شرایط باروری خواهند بود اگر آنها تولد اولین بچه را پنج سال عقب بیاورند این به معنی ۱/۲ میلیارد جمعیت کمتر تا سال ۲۱۰۰ می‌باشد.

ثانیاً دلیل دوم کیفیت زندگی آنها اینست که زنده مانده‌اند، هر ساله در حدود ۴ میلیون بچه در ایالات متحده بدنیا می‌آیند تقریباً یک هشتم آنها متعلق به مادران جوان هستند، وقتی یک دختر زیر ۲۰ سال بچه‌دار می‌شود برای همه مشکلاتی ایجاد می‌کند.

او ممکن است از مدرسه اخراج شود و اگر اخراج شود ممکن است به مؤسسات خیریه روی بیاورد (در ۱۹۹۵ دولت ۳۷ میلیارد دلار در خیریه، غذا و دارو برای خانواده‌های مادران جوان هزینه کرده است). تنگ خلقی و بی‌حوصله‌گی ممکن است او را وادار به بد رفتاری با فرزند کند و غالب شدن بر این فشارها برای بچه‌ای که خود کامل نشده، سخت است.

بچه او نیز ممکن است مشکلات زیادی داشته باشد، بچه‌هایی که از مادران جوان بدنیا می‌آیند با خطر کم وزنی هنگام تولد، تولد پیش از موقع و مرده بدنیا آمدن نسبت به مادران ۲۰ تا ۲۴ ساله مواجه هستند. آنها همچنین نمرات امتحانی پایین‌تر و میزان زیادی از مشکلات فیزیکی و فیزیولوژیکی دارند.

بسران مادران جوان بیشتر اوقات خود را در زندان می‌گذرانند. ایالات یوتا دریافت که با هر ۴۰۰ دلاری که به مادران جوان پرداخت می‌شود ۴۰۰ هزار دلار در هزینه‌های اجتماعی مختلف، در طول زندگی فرزند او صرفه‌جویی می‌شود.

اما بسیاری از دختران تنها این را می‌دانند که در حال غرق شدن هستند یکی از آنها می‌گفت من احساس شرمندگی نمی‌کنم بلکه می‌ترسم.

در ۱۹۹۳ تعدادی از کارکنان در لینکلن یک مرکز مراقبت از کودکان در دبیرستان ایجاد کردند، آنها و همکارانشان در شمال شرق اذعان می‌کنند که اولین اولویت آنها اطمینان از تحصیلات دختران می‌باشد.

کارن پوره که یک معلم در شمال شرق می‌باشد می‌گوید که ما خواهان موفقیت دختران هستیم و مدافع هر چیزی هستیم که به آنها در تکمیل تحصیلاتشان کمک می‌کند.

خانم ایرون مسؤل دفتر مدارس دولتی می‌گوید: از جانب بعضی از مردم که دوست نداشتند که لینکلن بعنوان مدرسه دختران حامله شناخته شود، مقاومت‌هایی ابراز می‌گردید.

هنوز عامل شرمساری وجود دارد، ما مجبوریم که این مسئله را حل کنیم و عمده مخالفت‌ها از طرف کسانی ابراز می‌شود که اعتقاد داشتند که ایجاد یک مهد کودک، بی‌بندوباری را تشویق خواهد کرد. جو آن بارتک که بتدریس علوم خانواده مشغول است می‌گوید: دخترها فقط می‌خندند و خواهند گفت: او بله این همان چیزی است که داشتیم درباره آن فکر می‌کردیم، یک مرکز درست و حسابی و واقعی، من فکر می‌کنم داریم حامله می‌شوم!

درست مثل آنها که معتقدند که نباید دختران باردار را به دبیرستان راه دهند، دختران نیز می‌گویند که: پس ما کجا برویم، اگر ما دیپلم نگیریم باید به سازمانهای رفاه اجتماعی مراجعه کنیم، ما

بی‌خانمان خواهیم شد.

در یک مطالعه این نتیجه بدست آمد که ۶۰ درصد دخترانی که باردار می‌شوند مدرسه را ترک می‌کنند. در نورت هیث ولینکلن ۸۰ درصد دختران تحصیل کرده هستند. من با چند تا از این دختران در مرکز نگهداری کودکان ملاقات کرده‌ام، اتاقها بزرگ و دلباز، مملو از اسباب‌بازی و تخت خواب که خیلی تمیز هستند، می‌باشند.

چندین دختر در آنجا در حال گذران وقت ناهار خود بودند و روی زمین ولو شده بودند و با بچه‌هایشان بازی می‌کردند و یا با کمک مربی و با یکدیگر صحبت می‌کردند و تعدادی هم ساکت نشسته بودند و مراقب بچه‌هایشان بودند، این مادرهای جوان بیشتر شبیه به خواهر بزرگتر بچه‌ها بودند تا مادرشان.

در ساعت ۳ بعدازظهر مندی برم، برای بردن دختر ۸ ماهه‌اش جولینا آمد مندی ۱۶ ساله است او موهای قهوه‌ای بلند و چشمان سبز و صورت گرد و زیبایی دارد.

او کسی است که در بین دختران دانش‌آموز آمریکائی معروف بود که برای خود کسی است. وقتی که به خانه رسیدیم مادر او دیانا و برادر کوچکش ژارد در خانه بودند. شام پینزا دارند، همانطور که شام می‌خوریم دیانا روزهایی را که دخترش باردار بود بخاطر می‌آورد، مندی شجاعت گفتنش را نداشت و به جای آن یک یادداشت در تخت خواب مادرش گذاشت که در آن می‌گفت: من هرگز آن دختری که شما می‌خواستید نبودم، این بدترین روز زندگی من بود اما نمی‌خواهم بچه‌ام را از بین ببرم. من مدت ۲ ساعت گریه کردم و سپس به مدرسه زنگ زدم و به او گفتم که اگر بخواهد می‌تواند به خانه برگردد.

بسیاری از دختران حمایت‌ها و عزم و اراده مندی را نداشتند. پنجاه درصد سقط‌جنین‌ها در ایالات متحده توسط زنان زیر ۲۵ سال انجام می‌گیرد.

خانم بورلی وینی کوف در دفتر مشاوره جمعیت می‌گوید: به نظر من اغلب مردم، سقط جنین را بعنوان اولین راه انتخاب نمی‌کنند، اما آنها حاصله هستند در حالیکه نیاز دارند که نباشند.

- وقتی که جولینا بزرگ شود مندی چه دارد که به او بگوید؟ جواب می‌دهد که می‌گویم: رابطه جنسی نامشروع برقرار نکن، این کار افتخاری ندارد.

اما در حالیکه ما کودکان را در معرض انواع پیامهای مبتذل قرار می‌دهیم، احتمالاً مندی تنها کسی است که چنین چیزی را می‌گوید.

ما آنان را بیماران تبلیغاتی می‌کنیم اما به آنها آموزش نمی‌دهیم که چگونه خود را مهیای زندگی کنند. ما به آنها یاد نمی‌دهیم که نباید از رابطه جنسی برای فروش بیشتر ماشین، عطر یا آناناس استفاده کنند. اثرات تبلیغی سینماها، آگهی‌ها، موزیک و از این قبیل بروی جوانان عمیق و گسترده است زندگی دختران ترکیبی از ناهمگونی و خصلت‌های نابرابر می‌باشد: ناآگاهی، لاف و

گراف، فضولی و این توهم که آنها آسیب‌ناپذیرند.

دلایل بارداری دختران در جامعه غربی زیاد است، بسیاری از این مادران خود فرزندان مادران جوان دیگری بوده‌اند. الکل و مواد مخدر قدرت تصمیم‌گیری را زایل می‌کند.

پسران بزرگتر می‌توانند دختران را بفریبند، بیش از نیمی از مردانی که مسئول بارداری دختران هستند بالای ۲۰ سال سن دارند. اولین سوء استفاده جنسی بدلیل ناتوانی دختران در گفتن، «نه»، می‌باشد. یک مطالعه نشان می‌دهد که در آمریکا ۴۸ درصد دختران دانش‌آموز حداقل یکبار مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته‌اند و همیشه ترس از دست دادن عشق و رابطه عاشقانه نیز وجود دارد.

مبندی لاتزل کی دختر ۱۸ ساله می‌گفت: یکی از دلایلی که من خیلی بی‌پروا بودم آن بود که من هم‌تا نداشتم، آن پسر ۲۲ ساله بود او مرا خوب توجیه کرده بود و به من می‌گفت که چقدر زیبا هستم. اما حدس می‌زنم فقط یک سری دروغ بود.

استان برنشتاین مشاور ارشد تحقیقاتی در صندوق جمعیت سازمان ملل می‌پرسد که بالاخره ما باید چند تا بچه داشته باشیم، چقدر از هم جدا باشیم، چگونه آنها را آموزش دهیم و چقدر روی چند تا بچه تمرکز کنیم و امیدوار باشیم که آنها از ما مراقبت خواهند کرد، این گفتگوها هر روز بیشتر و بیشتر مطرح می‌شود.

سازمان بهداشت جهانی تخمین می‌زند که روزانه میلیونها رابطه جنسی در جهان رخ می‌دهد. با وجود گامهای بلند در دهه‌های گذشته هنوز میلیونها زوجی که می‌خواهند از بارداری پیشگیری کنند به آن دسترسی ندارند. بسیاری از کشورهای در حال توسعه که با بحرانهای اقتصادی و بی‌ثباتی سیاسی مواجه هستند در حال کم کردن بودجه تنظیم خانواده هستند و برخی از کشورهای اهدا کننده کمک‌های مالی مثل آمریکا تا یک سوم از کمکهای خود را قطع کرده‌اند.

مردی در کنیا می‌گوید: وقتی که همسر من گفت که بیش از سه تا بچه نمی‌خواهد، مادرم به او گفت: تو خیلی تنبل هستی.

در بنگلادش یک زنی می‌گوید: ۲ تا بچه کافی است زیرا اگر شما بچه بیشتری داشته باشید نمی‌توانید آنان را همچون انسان پرورش دهید.

در ایالات متحده یک پدر ۱۶ ساله به پسر کوچکش نگاه کرده و می‌گوید: اگر او نبود حالا من در زندان بودم او مرا به سمت زندگی بهتری سوق داده است.

خورشید هر روز بر روی بیش از یک چهارم میلیون کودک نورسیده پرتو می‌افکند، تعدادی ممکن است جهان را تغییر دهند ولی همه آنها والدین خود را تغییر می‌دهند. آنها عضوی از گله مورچگان نیستند، آنها چه خوب و چه بد عضوی از ما هستند.

مأخذ: National geography | اکتبر ۱۹۹۸